شخص اعتباری ج 2

- مقدمه اول: مقایسه شخص طبیعی و شخص اعتباری در احکام
  - احکام شخص اعتباری نسبت به شخص طبیعی اخط مطلق است؛ بعض احکام عبادی مانند نماز و بعض احکام وضعی مانند ازدواج برای شخص اعتباری قابل تصور نیست
    - هر حکمی که وجود و شخص طبیعی خصوصیتی در آن حکم دارد، در شخص اعتباری قابل تصور نیست.
- مقدمه دوم: اشاره به احکام شخص اعتباری
  - احکام تکلیفی
    - در مقام اثبات: احکام تکلیفی که به شخص اعتباری نسبت داده میشود، متوجه شخص حقیقی و نمایندگان آن شخص اعتباری است؛ زیرا شخص اعتباری فاقد دریافت و اراده و حس است پس تکلیف (بعث و زجر) در مورد او معنا ندارد؛ تکلیفی که متوجه نمایندگان میشود به دو نحو است
      - تارة به عنوان نماینده مانند تسلیم مالی که شرکت فروخته
      - تارة به عنوان فردی از افراد مکلف مانند حرمت معاملات ربوی
    - دو مبنا برای شمولیت احکام تکلیفی بر شخص اعتباری در مقام ثبوت
      - احکام تکلیفی متوجه شخص اعتباری میشود به شرط اینکه قائل شویم تکلیف صرف اعتبار فعل بر ذمه است یا اعتبار پرهیز از شیء
      - همچنین اگر شخص اعتباری را مخاطب خطابات قانونی کلی بدانیم مثلا وقتی قانونی برای مالک ابلاغ میشود، طبعا شخص اعتباری را نیز شامل میشود
        - خطاباتی همچون «یاایهاالذین آمنو» و «الناس» متوجه شخص طبیعی میشود ولی با توجه به وجود مسجد در عصر صدور خطابات، مردم هم اشخاص اعتباری را مشمول خطابات میدانستند اگرچه متولی لازم دارند
    - احکام تکلیفیه
      - شامل شخص اعتباری: معاملات بالمعنی الاخص:وجوب وفاء به عقد و حرمت ربا
      - شامل شخص اعتباری: معاملات بالمعنی الاعم: وجوب امر به معروف و نهی از منکر، وجوب اقامه حدود در ذمه حاکم شرعی
      - مختص به شخص طبیعی: حرمت بعض مأکولات و مشروبات
    - احکام عبادی
      - مختص به شخص طبیعی: وجوب صلاه و صیام
      - شامل شخص اعتباری: وجوب خمس و زکات
  - احکام وضعی
    - اقسام احکام وضعی
      - قابل تصور در شخص اعتباری: صحت و فساد، لزوم و جواز، جزئیت و شرطیت ومانعیت، سببیت و ملکیت، وکالت و وسایت و کفالت و ضمانت و حقوق مانند حق شفعه و خیار و ...
      - غیرقابل تصور در شخص اعتباری: طهارت و نجاست
    - اشکال: احکام وضعی موضوع احکام تکلیفی است، چطور احکام تکلیفی قابل تصور نیست ولی وضعی قابل تصور است؟
      - جواب: آنچه در حکم وضعی مهم است صرف تصویر تعلق تکلیف است ولو بالنسبه به غیرموضوعی که حکم وضعی به آن تعلق میگیرد. بنابراین برخی احکام وضعی مانند ملکیت برای غیرممیز ثابت میشود در حالی که صبی قابلیت تکلیف ندارد اما چون حکم وضعی به لحاظ تعلق تکلیف به ولی اوست قابل تصور است. پس حکم وضعی برای شخص اعتباری به اعتبار اشخاص حقیقی که نمایندگان شخص اعتباری هستند لحاظ میشود.